

# A Comparative Analysis of the “Interim Succession” of the President In the legal system of Iran, Egypt and Turkey

(Article Type: Original Research)

Ebrahim Mousazadeh<sup>1</sup>, Hamed Aali<sup>\*2</sup>, Asghar AsghariVahdati<sup>3</sup>

## Abstract

The end of the presidency, like other public positions, is not always accompanied by the expiration of the legal period of responsibility, but in addition to the natural end of the term, other optional factors such as “resignation” or coercion such as “death” should be considered. In these cases, the President has lost the authority to take office for an interim period, such as illness or permanent term, such as death, and until the designation and election of a new president, the successor will temporarily assume his responsibilities. Of course, these days of “Fatrat” are of great importance in the fundamental rights of countries due to the absence of a president. Therefore, and consequently, the main question of this article is what legal standards have the legal system of the countries studied for such a period? In response to this question, the article has studied the status of “temporary succession” of the president in three countries through descriptive-analytical method. The most important achievements of this study are that firstly, the term “temporary succession” is a more appropriate and accurate term than “bail”, secondly, the standards for the issue mentioned in the Iranian legal system are more complete and comprehensive than the other two countries.

**Keywords:** Presidency, Succession, Bail, Turkish Constitution, Egyptian Constitution

---

1. Professor, Department of Public Law, Faculty of law and Political Science, University of Tehran. Tehran.Iran.

2. PhD Student in Public Law, Faculty of law and Political Science, University of Tehran. Tehran. Iran; Corresponding Author: hamedaali@ut.ac.ir

3. Graduate of Master of Public Law, Faculty of law, University of Tabriz, Tabriz, Iran.



## واکاوی تطبیقی «جانشینی موقت» مقام ریاست جمهوری در نظام حقوقی ایران، مصر و ترکیه (نوع مقاله: علمی پژوهشی)

ابراهیم موسی زاده<sup>۱</sup>، حامد عالی<sup>۲\*</sup>، اصغر اصغری وحدتی<sup>۳</sup>

### چکیده

پایان دوره ریاست جمهوری همانند سایر مناصب عمومی، همیشه با انقضاء دوره قانونی مسئولیت همراه نیست، بلکه در کنار پایان طبیعی دوره باید از سایر عوامل اختیاری نظیر «استعفا» و یا قهری همچون «فوت» نام برد. در این حالات، رئیس جمهور برای مدت موقت مانند بیماری یا مدت دائم نظیر مرگ، صلاحیت تصدی پست ریاست جمهوری را از دست داده و تا تعیین و انتخاب رئیس جمهور جدید، جانشین صلاحیت داری به طور موقت مسئولیت‌های وی را بر عهده می‌گیرد. مسلماً این ایام «فترت» به سبب فقدان رئیس جمهور، در حقوق اساسی کشورها از اهمیت زیادی برخوردار است. لذا و به تبع مسئله مذکور، پرسش اصلی نوشتار این است که نظام حقوقی کشورهای مورد مطالعه برای چنین دورانی چه موازین حقوقی پیش بینی کرده اند؟ در پاسخ به پرسش مذکور، مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به مطالعه وضعیت «جانشینی موقت» ریاست جمهور در سه کشور پرداخته است. اهم دستاوردهای پژوهش این است که اولاً عبارت «جانشینی موقت» اصطلاحی مناسب و دقیق تر از «کفالت» است ثانیاً موازین مقرر برای مسئله مذکور در نظام حقوقی ایران، کامل تر و جامع تر از دو کشور دیگر بیان شده است.

**واژگان کلیدی:** ریاست جمهوری، جانشینی، کفالت، قانون اساسی ترکیه، قانون

اساسی مصر

۱. استاد گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ نویسنده مسئول

hamedaali@ut.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

## درآمد

یکی از مسائل مهمی که در قوانین اساسی کشورهای دارای قانون اساسی مدون، به آن تصریح شده است، مسئله جانشینی موقت سمت ریاست جمهوری است. دلیل این تصریح، اهمیت زایدالوصف موضوع برای نظام سیاسی - حقوقی کشورهاست. چرا که این دوران به سبب عدم حضور و یا فقدان رئیس جمهور، می تواند منجر به اوضاع نابه سامان در ساختار سیاسی گردد. به هر حال «جانشینی موقت» ریاست جمهوری وضعیتی است که می تواند در حالات مختلفی به وقوع بپیوندد که به برخی از این حالات همچون مرگ، بیماری، غیبت، استعفا<sup>۱</sup> و عزل<sup>۲</sup> می توان اشاره داشت.

هر کدام از کشورها که اصل تفکیک قوا<sup>۳</sup> را پذیرفته اند، شیوه خاصی را برای دوران فقدان رئیس جمهور برگزیده اند و در قوانین اساسی آن ها تفاوت هایی از این حیث وجود دارد. لذا بر آن شدیم تا وضعیت جمهوری اسلامی ایران با نظام حقوقی دو کشور دیگر اسلامی یعنی مصر و ترکیه را مورد واکاوی مقایسه ای قرار دهیم. دلیل انتخاب این دو کشور علاوه بر قرابت های فرهنگی و اجتماعی، به دلیل اخیرالتصویب بودن قانون اساسی<sup>۴</sup> آن دو کشور و برخورداری از دست آوردهای جدید مطالعات حقوق اساسی می باشد.

در این راستا، پرسش اصلی مقاله این است که نظام حقوقی کشورهای مورد مطالعه چه موازین حقوقی را برای جانشینی موقت ریاست جمهوری پیش بینی کرده اند؟ در کنار پرسش اصلی برخی سوالات فرعی نیز مطرح می شود: از جمله اینکه عوامل و اسباب تحقق وضعیت جانشینی موقت کدامند؟ چه مقام صلاحیت داری جانشینی موقت را برعهده می گیرد؟ شرایط صلاحیت ها و مدت دوره تصدی جانشینی موقت کدام است؟ در راستای پاسخ به پرسش های مذکور، نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی به مطالعه موضوع در نظام کشورهای مورد مطالعه پرداخته است. با توجه به اینکه نظام های سیاسی مورد نظر نگارندگان جمهوریت را برای خود برگزیدند و از آنجا که مقام ریاست جمهوری به عنوان یکی از ارکان مهم در چنین نظام هایی به شمار می رود، فرض دوران فترت برای این رکن مهم در چنین نظام هایی غیر ممکن به نظر

1. Resign
2. Dismissal
3. Principle of Separation of Powers
4. Constitution

می‌رسد، لذا به یقین لازم است آیین خاصی برای جانشینی موقت رئیس جمهور در این نظام‌ها پیشبینی گردد.

در نظم اساسی نظام‌های سیاسی الگو موارد مشخصی برای تحقق جانشینی موقت مقام ریاست جمهوری ( فوت، عزل استعفا و ...) پیش‌بینی شده است لذا انتظار می‌رود باتوجه به بازنگری‌های جدیدی که در قوانین اساسی کشورهای مصر و ترکیه صورت گرفته است به این مهم نیز توجه شود.

معاونین رئیس جمهور و روسای پارلمان در قوانین اساسی کشورهای دموکراتیک از جمله مقامات صلاحیتداری هستند که برای تصدی جانشینی موقت و کفالت مقام ریاست جمهوری معین گردیدند و به تبع آن در بعضی از کشورها حداقل و حداکثر مدت نیز برای این دوران مشخص شده است، با این توضیحات انتظار می‌رود چنین مواردی در قوانین موضوعه کشورهای مورد بحث، شناسایی گردد.

در خصوص پیشینه پژوهش باید یادآور شد که قبلاً به این موضوع به صورت مدون و تطبیقی و مبتنی بر احکام قانون اساسی جدید کشورها پرداخته نشده است. در خصوص اهمیت و اهداف نوشتار لازم به ذکر است که در کنار تبیین علمی، موازین قانونی کشورهای مورد مطالعه و دستیابی به یک الگوی مطلوب و کارآمد در خصوص موضوع، غایت اصلی می‌باشد. بر این اساس، ابتدا پیشینه ی قانون اساسی سه کشور مورد بررسی اجمالی قرار می‌گیرد، سپس پردازش مفاهیم، علل و اسباب تحقق «جانشینی موقت»، مقام صلاحیت‌دار برای تصدی آن، نحوه نظارت بر عملکرد و صلاحیت او و شرایط زمانی دوره جانشینی موقت به صورت مقایسه‌ای بررسی خواهد شد.

## ۱. نگاهی به پیشینه قوانین اساسی در ایران، مصر، ترکیه

### ۱-۱. جمهوری اسلامی ایران

حدود یک قرن پیش با انقلاب مشروطیت<sup>۱</sup>، اولین قانون اساسی در ایران متولد شد. مهمترین ویژگی این قانون اساسی محدود کردن اختیارات پادشاه و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های کشور بود. این قانون تا پایان حکومت پهلوی حدود هفتاد سال به عنوان قانون اساسی حکومت سلطنتی مشروطه با تغییراتی که طی این مدت به همراه

داشت مبنای عمل نظام سیاسی ایران بود. با تغییر نظام سیاسی ایران در سال ۱۹۸۷م. و با توجه به ساختار سیاسی و نیازهای جدید جامعه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی تدوین گردید.

بر این اساس امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی<sup>۱</sup> در حکم نخست وزیری مهدی بازرگان یکی از ماموریت‌های دولت موقت را تشکیل مجلس موسسان از منتخبین مردم جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید عنوان کردند (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۴). با تصویب هیئت دولت در تاریخ ۸ فروردین ۱۳۵۸ «شورای عالی طرح‌های انقلاب» تأسیس شد و اساسنامه آن به تصویب رسید. اساسنامه‌ای که به موجب ماده ۲ آن یکی از وظایف شورا، «تهیه طرح قانون اساسی بر مبنای ضوابط اسلامی» تعیین گردیده بود.

### ۱-۲ جمهوری عربی مصر

مصر، یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری از دیدگاه سیاسی و فرهنگی و از مهم‌ترین کشورهای جهان عرب و خاورمیانه<sup>۲</sup> است. اولین قانون اساسی یک کشور اسلامی (۱۸۸۲ - قانون اساسی توفیق الخدیوی) و همچنین اولین پارلمان (۱۸۶۶) را می‌توان به این کشور نسبت داد (آقای طوق، ۱۳۹۱: ۲). بعد از استقلال مصر از استعمار<sup>۳</sup> انگلستان، اولین قانون اساسی مصر در سال ۱۹۲۳م. به نگارش درآمد، اما بعد از آن در سال‌های ۱۹۵۶، ۱۹۵۸، ۱۹۶۴ و ۱۹۷۱ مورد بازنگری‌های کلی و جزئی قرار گرفت. (کعبی، ۱۳۹۱: ۶۹)

در سال ۲۰۱۱ و در ۲۵ دسامبر آن سال ۲۹ استان کشور مصر شاهد درگیری و تظاهرات بود. دوم ژانویه همان سال، انقلاب مصر، متأثر از موفقیت انقلاب تونس، خواستار انحلال مجلس<sup>۴</sup> شعب و مجلس شورا و همچنین اصلاح قانون اساسی برای از بین بردن ایده‌ی وراثتی شدن حکومت شد (العوضی، الهشام، ۲۰۱۳: ۲۷-۲۸). نیروهای مردمی از جمله اخوان المسلمین و جنبش جوانان سلفی، به اتفاق آرا برای دستیابی به

1. Islamic Revolution
2. Middle East
3. Colonial
4. Dissolution of parliament

اهداف انقلاب تلاش می‌کردند و خواسته‌هایی از جمله محاکمه مبارک، انحلال پارلمان و تاسیس احزاب سیاسی و... داشتند (فرید، طارق، ۲۰۱۲: ۱۷۱-۱۷۲) پس از انفاقات مهم، حکومت سیاسی مصر هم با این تحولات دچار تغییر و تحولات زیادی شد. حسنی مبارک رئیس جمهور وقت مصر از قدرت کنار رفت. از زمان سقوط حسنی مبارک تاکنون قانون اساسی مصر دوبار تغییراتی را به خود دیده است. بار اول تدوین پس از همه‌پرسی قانون اساسی مصر که بعد از انقلاب ۲۰۱۱ میلادی صورت گرفت و در دسامبر ۲۰۱۲ مورد تایید ۶۴ درصدی رای‌دهندگان مصری قرار گرفت و همچنین برای مرتبه دوم بعد از کودتای<sup>۱</sup> نظامیان علیه محمدمرسی رئیس جمهور وقت مصر دوباره مجلس موسسان تشکیل شد و این بار طبق اعلام کارگروه عالی انتخابات مصر بیش از ۹۸ درصد مردم در ژانویه ۲۰۱۴ به قانون اساسی رای دادند. ساختار جدید سیاسی مصر را می‌توان به عنوان یک سیستم نیمه‌ریاستی که در آن رئیس جمهور اختیارات قابل توجهی دارد، معرفی کرد. (Fedtke,2014,9) قانون اساسی مصر رئیس جمهور را رئیس قوه مجریه دانسته و وظیفه او را دفاع از منافع مردم، حفاظت از استقلال، تمامیت ارضی و امنیت کشور قرار داده است (Heliotis,2014,139).

### ۱-۳. جمهوری ترکیه

بعد از فروپاشی امپراطوری عثمانی در جنگ جهانی اول، قانون اساسی ۱۹۲۴ جمهوری ترکیه به عنوان اولین قانون اساسی مورد تصویب قرار گرفت و سیستم پارلمانی سال‌ها در این کشور دوام داشت ولی با توجه به تغییرات قانون اساسی در سال ۲۰۰۷ و انتخاب مقام ریاست جمهوری توسط مردم، نظام سیاسی ترکیه به نیمه‌ریاستی تبدیل شد (Yildiz,2015,1). استقبال مردم از حزب عدالت و توسعه و انتخاب رئیس جمهور از این حزب و همچنین با توجه به انتخاب مستقیم رئیس جمهور و مشروعیت گرفتن از مردم، لازم بود ترکیه به سیستم ریاست جمهوری تبدیل شود و با تغییر قانون اساسی وجهه حقوقی به خود بگیرد (Coşkun,2017,5)

از دیرباز در فضای سیاسی ترکیه به خاطر یک سری از مشکلات، راه‌حل را در تغییر نظام سیاسی ترکیه می‌دانستند، به ویژه از زمانی که حزب عدالت و توسعه بر سرکار

1. Coup

آمد، به صورت جدی درصدد تغییر نظام سیاسی ترکیه به نظام ریاست جمهوری بود و احزاب و گروههای سیاسی را برای مشارکت در این امر فرا می خواند؛ چرا که اعتقاد داشت که با تمرکز و افزایش سرعت تصمیم گیری می توان مشکلات را حل کرد و با ثبات بیشتری به اداره جامعه پرداخت (مجیدی، ۱۳۹۷: ۲۷).

در ابتدا با پیشنهادهای حزب عدالت و توسعه مبنی بر تغییر قانون اساسی و تبدیل شدن این کشور به نظام ریاستی توسط دیگر جریانها مخالفت می شد ولی بعد از کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶ فضای سیاسی این کشور، رویکرد دیگر جریان موسوم به نهضت ملی نیز تغییر کرد و حزب دولت نیز اعلام کرد که پیشنهاد تغییرات قانون اساسی وارد پارلمان شود (Yeni Şafak, 2017).

پارلمان ترکیه در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ با ۳۳۹ رأی موافق به این همه پرسی رأی داد. این میزان رأی بیش از ۳۳۰ رأی لازم (اکثریت) بود. طرح پیشنهادی ۲۱ ماده ای در مجلس به ۱۸ ماده کاهش یافت و در آوریل ۲۰۱۸ همه پرسی قانون اساسی ترکیه برگزار شد و بیش از ۵۱ درصد مردم ترکیه تغییرات قانون اساسی را پذیرفتند و مقام نخست وزیری حذف شد و بدین ترتیب نظام سیاسی ترکیه به سیستم ریاستی با اختیارات گسترده رئیس جمهوری تبدیل شد. سیستم سیاسی ترکیه ترکیبی منحصر به فرد از قوانین دموکراتیک و ارزشهای سنتی، هویت سیاسی - اجتماعی است (Abu-, 4, 2000). با تغییرات قانون اساسی از سال ۲۰۱۸ ترکیه با نظام ریاستی اداره می شود و دستگاه اجرایی کشور با رئیس جمهور شناخته می شود و قدرت و کارکرد اجرایی مطابق قانون اساسی و قوانین توسط رئیس جمهور اعمال و اجرا می شود (Serter, 2018, 779).

## ۲. کفالت<sup>۱</sup> یا جانشینی موقت<sup>۲</sup>؟

کفالت را روشی کوتاه مدت برای اعمال موقتی و محتاطانه قدرت دانسته اند. (Debasch, 141: 2001). در ادبیات حقوقی ایران برای جایگزین موقت مقام صلاحیتدار، اصطلاح «کفالت» به کار رفته است. چنان که کفالت سلطنت (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۰۴۳)، کفالت ریاست جمهور (هاشمی، ۱۳۷۷: ۳۴۸)، کفالت اداری (طباطبائی موتمنی،

1. Bail

2. Interim Substituting

۱۳۹۵: ۶۰)، اصطلاحاتی نام آشنا در تألیفات حقوقی می‌باشد. هرچند شاید این استعمال و استخدام از منظری به لحاظ لغوی صحیح باشد چرا که «کفالت» مصدر و مشتق از کفل است یعنی برعهده گرفتن (امامی، ۱۳۷۴: ۳۰۲) یا از منظری دیگر به معنای نیابت<sup>۱</sup>، حضانت<sup>۲</sup>، قیمومت<sup>۳</sup> و قائم مقامی است (جعفری لنگرودی، پیشین: ۳۰۳۱ و ۳۰۳۴)، لکن از منظر اصطلاحی، کفالت عقد بوده و یکی از عقود معین است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ۱۰) و احتیاج به ایجاب از طرف کفیل و قبول از طرف مکفول له دارد و عبارت است از تعهد شخصی به احضار دیگری با تقاضای مکفول له به احضار او (حائری شاه‌باغ، ۱۳۷۶: ۶۴۷)

بنابراین از آنجا که معنای اصلی لغوی کفالت به معنای شفاعت بوده و بعدها از این معنای اصلی به معنای لغوی دیگر منتقل شده است و به صورت مجازی و همراه با قرائن در معنای لغوی مذکور بکار رفته است<sup>۴</sup> و از آنجا که مفهوم اصطلاحی آن با مفهوم مورد بحث مقاله به کلی متفاوت است لذا واژه «کفالت» برای مفهوم مد نظر مقاله، عنوان دقیقی به نظر نمی‌رسد و واژگان دیگری چون «نیابت موقت»، «سرپرستی موقت»، «نیابت قانونی»<sup>۵</sup> که ناشی از حکم قانون است مانند نیابت معاون رئیس جمهور از بابت رئیس جمهور مستعفی دقیق تر به نظر می‌رسند. در هر حال این نوشتار، اصطلاح «جانشینی موقت» را برای این منظور به کار می‌برد. چرا که جانشین موقت (کفیل) الزاما توسط متصدی اصلی انتخاب نمی‌گردد بلکه توسط قانون، به جانشینی موقت تعیین می‌شود و جانشین موقت کسی است که صلاحیت‌های یک مقام در غیاب او به صورت موقت به وی واگذار می‌شود.

### ۳. اسباب تحقق جانشینی موقت ریاست جمهوری

اسباب و عوامل تحقق وضعیت جانشینی موقت ریاست جمهوری در قوانین اساسی

1. Proxy
2. Custody
3. Mandate

۴. ر.ک: تهذیب اللغة

۵. نیابت قانونی یا قهری در برابر نیابت اختیاری است که در ادبیات حقوق عمومی از نیابت اختیاری به «تفویض اختیار» تعبیر می‌شود. (ر.ک: طباطبائی مومنی، ۱۳۹۰، ص ۶۴)



کشورها، به صورت‌های متفاوت دیده شده است. در حالی که اصل ۱۰۶ قانون اساسی ترکیه در خصوص اسباب تحقق جانشینی موقت به بیان عوامل به نحو مصداقی نمی‌پردازد و ماده ۱۶۰ قانون اساسی ۲۰۱۴ مصر، موارد استعفا و فوت و ناتوانی رئیس جمهور را بیان می‌دارد و همچنین خالی ماندن پست ریاست جمهوری به هر دلیل را به عنوان اسباب تحقق جانشینی موقت ریاست جمهوری مطرح می‌کند اما اصل ۱۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران<sup>۱</sup>، عوامل و اسباب تحقق وضعیت جانشینی موقت ریاست جمهوری را این‌گونه بیان می‌دارد «فوت، عزل، استعفا، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رییس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رییس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل» که در ادامه، موارد احصا شده‌ی تقریباً مشترک مورد بررسی قرار می‌گیرد سپس موارد افتراق و انحصاری قانون اساسی سه کشور به تفکیک بررسی می‌شود و در نهایت نتیجه‌ای ارائه خواهد شد.

### ۳-۱. اشتراکات و شباهت‌ها

عوامل فوت، استعفا، غیبت و بیماری رئیس جمهور از جمله مواردی هستند که در هر سه کشور یا لاقلاً در دو کشور مد نظر، احصا شدند. این موارد را به ترتیب بررسی خواهیم نمود.

### ۳-۱-۱. فوت رئیس جمهور

یکی از عواملی که جانشین موقت را بر مسند ریاست دولت جمهوری می‌نشانند، فوت رئیس جمهور است. این عامل در قانون اساسی کشورمان و جمهوری عربی مصر مورد تصریح واقع شده اما در قانون اساسی جمهوری ترکیه به کار گرفته نشده است.

۱. اصل ۱۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: در صورت فوت، عزل، استعفا، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رییس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رییس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رییس جمهور با موافقت رهبری اختیارات و مسئولیت‌های وی را بر عهده می‌گیرد و شورایی متشکل از رییس مجلس و رییس قوه قضاییه و معاون اول رییس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رییس جمهور جدید انتخاب شود، در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رییس جمهور معاون اول نداشته باشد مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند.

فوت رئیس جمهور یک مرتبه در طول حیات انقلاب اسلامی رخ داده است.<sup>۱</sup> در آن هنگام قانون اساسی سال ۱۳۵۸ حاکم بود و حکمی متفاوت با مطالب مربوط در اصلاحات ۱۳۶۸ داشت. بر اساس اصل ۱۳۱ (سابق)، در صورت فوت، کناره‌گیری یا بیماری بیش از دو ماه و عزل رئیس جمهور، یا موجبات دیگری از این گونه، «شورای موقت ریاست جمهوری موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود و در این مدت وظایف و اختیارات ریاست جمهوری را جز در امر همه پرسی بر عهده دارد.» این اصل، شورای موقت ریاست جمهوری را به عنوان جانشین موقت معرفی کرده و پس از شهادت رئیس جمهور وقت نیز همین شورا وظایف را بر عهده گرفت.

### ۳-۱-۲. استعفای رئیس جمهور

استعفا عامل بعدی است که میان قانون اساسی ایران و مصر مشترک می‌باشد و در قانون اساسی ترکیه نامی از آن دیده نمی‌شود. استعفای رئیس جمهور در نظام حقوقی ایران از جمله عللی است که در بازنگری سال ۱۳۶۸ مطرح شده است، پیش از آن در قانون اساسی سال ۱۳۵۸ کناره‌گیری رئیس جمهور از اسباب جانشینی موقت ریاست جمهوری بود که منوط به پذیرش مقام یا نهاد خاصی نبود. این وضعیت با توجه به جایگاه تعریف شده توسط تدوین‌کنندگان پیش‌نویس قانون اساسی برای رئیس جمهور در نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی تعیین وی به عنوان عالی‌ترین مقام رسمی کشور سازگاری داشت. لذا واژه استعفا به جای کناره‌گیری در اصل ۱۳۱ به کار گرفته شد و قانونگذار اساسی پذیرش یا رد استعفای رئیس جمهور را به رهبری واگذار کرد.<sup>۲</sup> (تقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۰۵-۱۰۶) نکته آن که از سیاق اصل ۱۳۰ قانون اساسی می‌توان گفت رهبر در پذیرش یا رد استعفای رئیس جمهور کاملاً مختار است. (حسنی، ۱۳۷۶: ۴۶)

۱. در ۸ شهریور سال ۱۳۶۰ و در زمان ریاست جمهوری محمد علی رجایی و نخست‌وزیری محمدجواد باهنر، این دو تن به هنگام برگزاری جلسه‌ی شورای عالی امنیت ملی کشور، طی حادثه‌ی بمب‌گذاری به شهادت رسیدند.  
۲. صل ۱۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: رئیس جمهور استعفای خود را به رهبر تقدیم می‌کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می‌دهد.

به این دلیل که مقام رهبری به عنوان عالی‌ترین مقام کشور و به عنوان کسی که حکم ریاست جمهوری را تنفیذ و امضا نموده و همچنین عزل رئیس جمهور توسط این مقام صورت می‌گیرد، ضرورت دارد تا خود نیز پس از بررسی آثار و مصالح جامعه، تقاضای رئیس جمهور را مبنی بر کناره‌گیری و استعفای از این مقام را بپذیرد یا رد نماید. (ساعد وکیل ۱۳۸۷: ۴۸۲) از این رو در صورتی که مقام رهبری با استعفای رئیس جمهور موافقت نماید، در این صورت نیز ضرورت جانشینی که بتواند وظایف و مسئولیت‌های او را به عهده بگیرد احساس می‌شود. به همین دلیل، اصل ۱۳۱ استعفا را به عنوان یکی از اسباب تحقق جانشینی موقت پیش بینی نموده‌است (مظهری، ۱۳۹۷: ۳۸).

### ۳-۱-۳. غیبت یا بیماری رئیس جمهور

یکی دیگر از اسباب تحقق جانشینی موقت ریاست جمهوری غیبت است که در قانون اساسی کشورمان به صورت توأمان و در کنار بیماری ذکر شد و قید بیش از دو ماه نیز برای آن‌ها بیان گردیده است. قانون اساسی مصر و ترکیه از لفظ غیبت به عنوان سببی برای تحقق جانشینی استفاده نکرده‌اند. آن چیز که مختص قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است غیبت یا بیماری بیش از دو ماه می‌باشد. تصریح غیبت در کنار فوت و عزل و استعفا در اصل ۱۳۱ قانون اساسی این مطلب را می‌رساند که عامل غیبت غیر از این موارد است و به نظر می‌رسد که منظور از غیبت رئیس‌جمهور در ایران عدم حضور وی به دلایلی مانند اسارت، مفقود یا ربوده شدن یا بازداشت بیش از دو ماه است که مانع انجام وظیفه رئیس‌جمهور می‌شوند.

بیماری نیز عامل بعدی تحقق جانشینی موقت است که همانند غیبت، شرط مدت بیش از دو ماه را به همراه دارد. در مورد این عامل بحث‌هایی مطرح شده من جمله اینکه مرجع تشخیص بیماری کدام است؟ و منظور چه نوع بیماری است؟ (تقی زاده، ۱۳۸۹: ۱۰۷-۱۰۹).

چالش مهم آن که آیا باید صبر کرد و پس از گذشت دو ماه از بیماری رئیس‌جمهور، وضعیت جانشینی موقت محقق می‌شود؟ یا اینکه در ابتدای بیماری اگر پزشک متخصص طول درمان یا بیماری را حدود دو ماه و بیشتر تشخیص داد دوران جانشینی شروع می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش باید به تصریح قانون اساسی بر «امور دیگری از

این قبیل» در اصل ۱۳۰ اشاره کرد که می‌تواند مواردی مانند غیبت یا بیماری تا دو ماه رئیس جمهور را به شرط قطعی بودن مانعیت، از اسباب جانشینی موقت قرار دهد. (تقی زاده، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

قانون اساسی مصر و ترکیه از لفظ غیبت به عنوان سبب تحقق وضعیت جانشینی استفاده‌ای نبردند اما قانون اساسی ترکیه، بیماری را در بین موارد مذکور آورده‌است. قانون اساسی مصر نیز عبارت ناتوانی دائمی را به کار برده که عبارتی عام و مناسب به نظر می‌رسد و می‌توان برخی از بیماری‌ها را نیز مشمول آن دانست.

### ۲-۳. موارد اختلافی و تفاوت‌ها

سه کشور مورد بحث علاوه بر شباهت‌ها و اشتراکات، تفاوت‌هایی نیز در ذکر عوامل تحقق وضعیت جانشینی موقت دارند. ناتوانی دائمی، سفر خارج، عزل، عدم انتخاب رئیس جمهور جدید و برخی موارد دیگر از این جمله هستند که در این بخش، آن‌ها را نه به صورت موردی بلکه به صورت ذیل هر کشور بحث خواهیم نمود.

### ۲-۳-۱. موارد انحصاری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

عزل رئیس جمهور و عدم انتخاب رئیس جمهور جدید، دو عامل منحصر به فرد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که در قانون اساسی دو کشور دیگر دیده نمی‌شوند. عزل رئیس جمهور از عوامل مخصوص قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است و در قوانین اساسی دو کشور دیگر به عنوان عوامل ایجاد کننده وضعیت جانشینی موقت ذکر نشدند. عزل نیز به مانند فوت، از جمله اسبابی است که در حیات سیاسی انقلاب اسلامی وجود داشته است و در مورد ابوالحسن بنی صدر اعمال شد.<sup>۱</sup> عزل رئیس

۱. در ۲۶ خرداد ۱۳۶۰ برخی از نمایندگان مخالف بنی صدر آیین نامه رسیدگی به طرح عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور را به مجلس تقدیم کردند. در متن آیین نامه آمده بود «...بنا به وضعیت فعلی کشور و تظاهرات میلیونی مردم انقلابی و شهید داده علیه خلافت‌کاری‌ها و قانون شکنی‌های آقای ابوالحسن بنی صدر، طرح قانونی را به عنوان آیین نامه بررسی طرح عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور به مجلس تقدیم داشته و تقاضای تصویب آن را با قید دو فوریت داریم». دو فوریت این آیین نامه به رای گذاشته شد و از مجموع ۱۸۳ نفر، ۱۴۵ نفر به آن رای موافق دادند (مشروح مذاکرات مجلس اول شورای اسلامی، جلسه ۱۶۵) و با تصویب آن، اصل طرح تقدیم مجلس شد که از آوردن متن آن صرف نظر می‌کنیم. در نهایت، طرح به رای گذاشته شد و با کسب ۱۷۷ رای موافق، ۱۲ رای ممتنع و یک رای مخالف، رای به عدم کفایت بنی صدر داده شد و امام خمینی در ۱ تیر ۱۳۶۰ بنی صدر را از ریاست جمهوری عزل نمود. (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۸۰)

جمهور ایران طبق بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی ۱۳۶۸ از دو طریق امکان پذیر است:

۱. حکم دیوان عالی کشور<sup>۱</sup> به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی و عزل توسط مقام رهبری با در نظر گرفتن مصالح کشور
  ۲. رای مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت<sup>۲</sup> رئیس جمهور بر اساس اصل ۸۹ و عزل توسط مقام رهبری با در نظر گرفتن مصالح کشور
- مطلب قابل ذکر آن که هرچند کیفیت رای مجلس به عدم کفایت رئیس جمهور در اصل ۸۹ قانون اساسی مشخص گردیده است اما چنین وضوحی در ارتباط با کیفیت و جزئیات حکم دیوان عالی کشور به تخلف رئیس جمهور وجود ندارد. لذا این سوال مطرح می شود که صلاحیت رسیدگی و صدور حکم به تخلف رئیس جمهور در صلاحیت هیئت عمومی دیوان عالی کشور است یا شعب آن؟

سبب بعدی تحقق جانشینی موقت که بدین شکل صرفاً در قانون اساسی ایران به آن پرداخته شده است پایان دوره رئیس جمهور سابق و عدم انتخاب رئیس جمهور جدید است. دلیل و منطق ذکر این سبب به نظر می رسد آن است که هیچ رئیس جمهوری نتواند بیش از مدت قانونی بر کرسی ریاست بنشیند و در صورت عدم برگزاری انتخابات یا عدم انتخاب رئیس جمهور جدید به هر علت که باشد، کار رئیس جمهور سابق به پایان برسد و وضعیت جانشینی موقت محقق گردد. چرا که مردم به واسطه‌ی رای خود، صرفاً برای مدتی معین زمام ریاست دولت را به دست رئیس جمهور منتخب می سپارند لذا طبیعی است با پایان این دوره ی معین (۴ ساله)، مسئولیت او به پایان برسد و مجدداً طی فرایندی سرنوشت مملکت توسط مردم تعیین گردد.

### ۳-۲-۲. موارد انحصاری قانون اساسی جمهوری ترکیه

در نظام حقوقی ترکیه راجع به جانشینی موقت ریاست جمهوری، اصل ۱۰۶ قانون

1. Supreme Court

2. Inadequacy

اساسی<sup>۱</sup> بیان می‌دارد: «رئیس جمهور پس از برگزیده شدن می‌تواند یک یا چند معاون رئیس جمهور را تعیین کند. در صورت خالی شدن مقام ریاست جمهوری، به هر دلیل که باشد ۴۵ روز دیگر انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود. تا برگزیده شدن رئیس جمهور جدید معاون رئیس جمهور سرپرستی ریاست جمهوری را بر عهده می‌گیرد و وظایف رئیس جمهور را انجام می‌دهد. چنانچه رئیس جمهور به خاطر بیماری یا سفر به خارج از میهن از مقام خود جدا شود معاون رئیس جمهور سرپرستی ریاست جمهوری را بر عهده گرفته و وظایف او را انجام می‌دهد.»

مشاهده می‌گردد که ابتدای اصل ۱۰۶ قانون اساسی ترکیه در باب اسباب

۱. متن کامل اصل ۱۰۶ قانون اساسی ترکیه: رئیس جمهور پس از برگزیده شدن می‌تواند یک یا چند معاون رئیس جمهور را تعیین کند. در صورت خالی شدن مقام ریاست جمهوری، به هر دلیل که باشد، چهل و پنج روز دیگر انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود. تا برگزیده شدن رئیس جمهور جدید، معاون رئیس جمهور سرپرستی ریاست جمهوری را بر عهده می‌گیرد و وظایف رئیس جمهور را انجام می‌دهد. در صورتی که یک سال یا کمتر به انتخابات عمومی باقی مانده باشد، انتخابات ریاست جمهوری و مجلس همزمان برگزار می‌شود. چنانچه بیش از یک سال به زمان انتخابات مجلس باقی مانده باشد، رئیس جمهور منتخب تا زمان برگزاری انتخابات مجلس به وظایف خود ادامه می‌دهد. مدت مذکور از جهت رئیس جمهوری که این دوره را به اتمام رسانده محاسبه می‌شود. در زمان برگزاری انتخابات عمومی مجلس، هر دو انتخابات همزمان برگزار می‌شود. چنانچه رئیس جمهور به خاطر بیماری یا سفر به خارج از میهن از مقام خود جدا شود، معاون رئیس جمهور سرپرستی ریاست جمهوری را بر عهده گرفته و وظایف او را انجام می‌دهد. معاونان رئیس جمهور و وزیران از میان کسانی که صلاحیت نمایندگی مجلس را دارند، از طرف رئیس جمهور تعیین و برکنار می‌شوند. معاونان رئیس جمهور و وزیران به صورت مذکور در اصل ۸۱ قانون اساسی در برابر مجلس ادای سوگند یاد می‌کنند. عضویت نمایندگان مجلس، در صورت تعیین شدن به عنوان معاون رئیس جمهور یا وزیر پایان می‌یابد. معاونان رئیس جمهور و وزیران در برابر رئیس جمهور مسئولند.

مجلس می‌تواند به اتهام ارتکاب جرم معاونان رئیس جمهور یا وزیران که مرتبط با وظایفشان باشد، به پیشنهاد اکثریت مطلق آراء نمایندگان درخواست استیضاح بکند. مجلس پیشنهاد را حداکثر ظرف یک ماه بررسی کرده و با رای مخفی سه پنجم اعضا مجلس در زمینه برگزاری جلسه استیضاح تصمیم می‌گیرد. در صورت تصمیم مجلس، کار استیضاح توسط کمیسیون پانزده نفره متشکل از نمایندگان برگزیده احزاب سیاسی مجلس به قید قرعه از میان سه برابر افراد پیشنهادی هر یک از احزاب به نسبت توان آنها، صورت می‌گیرد. کمیسیون گزارش نتیجه برگزاری جلسه استیضاح را ظرف دو ماه به ریاست مجلس تقدیم میکند. در صورت عدم استیضاح در این مدت، می‌توان حداکثر یک ماه دیگر به کمیسیون مهلت داد. گزارش، ظرف پانزده روز از تاریخ ارائه به رئیس مجلس میان نمایندگان پخش می‌شود و ظرف ده روز از تاریخ توزیع آندر جلسه عمومی مجلس بررسی می‌شود. با رای مخفی دو سوم اعضای مجلس می‌توان در مورد ارسال گزارش به دیوان عالی تصمیم گرفت. دیوان عالی ظرف سه ماه رسیدگی خود را به اتمام می‌رساند. در صورت عدم اتمام آن در این مدت، تنها یک بار دیگر به دیوان برای رسیدگی نهایی مهلت داده می‌شود. در مورد افراد استیضاح شده، بعد از اتمام خدمتشان در برابر اتهاماتی که در زمان خدمت خود مرتکب شده اند، احکام بندهای پنجم، ششم و هفتم اعمال می‌شود. در دیوان عالی به خدمت معاون رئیس جمهور یا وزیری که محکومیتش به جرمی است که با انتخاب شدن او منع ندارد، خاتمه داده می‌شود.

تحقق جانشینی موقت ریاست جمهوری به جای ذکر عوامل مختلف، از عبارت «خالی شدن مقام ریاست جمهوری» به نحو مطلق و به هر دلیلی که باشد استفاده می‌کند. البته در فراز بعدی دو عامل «بیماری» و «سفر به خارج» را نیز مورد اشاره قرار می‌دهد اما در پایان جمله بیان می‌دارد: «از مقام خود جدا شود». لذا به نظر می‌رسد که احکام این اصل با بیان روشن و منسجمی در متن قانون اساسی جمهوری ترکیه قرار نگرفته‌اند، چرا که در ابتدا «خالی شدن مقام ریاست جمهوری به هر دلیل» را سبب تحقق سرپرستی معاون می‌داند و در فراز بعدی به دو مثال «بیماری» و «سفر خارج» بسنده می‌کند و مجدداً عبارت «جدا شدن از مقام» را می‌آورد که گویای همان عبارت «به هر دلیل» ابتدایی اصل است. به هر حال تنها نکته‌ی منحصر به فرد و قابل توجه این اصل، اشاره به سفر خارجی رئیس جمهور است که می‌توان گفت ذکر این عامل و بیماری با وجود عبارت کلی و مطلقى مثل «خالی شدن مقام ریاست جمهوری به هر دلیل»، بدون فایده بوده و حتی در مواردی ممکن است گمراه کننده و محل مناقشه باشد.

### ۳-۲-۳. موارد انحصاری قانون اساسی جمهوری عربی مصر

ماده ۱۶۰ قانون اساسی مصر<sup>۱</sup> از عامل موقتی که مانع ایفای وظایف و اختیارات

۱. ماده ۱۶۰: چنانچه عامل موقتی مانع ایفای وظایف و اختیارات رئیس جمهور شود، نخست وزیر جایگزین وی می‌شود و چنانچه به دلیل استعفا یا فوت یا ناتوانی دائمی رئیس جمهور یا هر دلیل دیگری پست ریاست جمهوری خالی بماند، مجلس نمایندگان ضمن اعلام خالی شدن کرسی ریاست جمهوری که باید حداقل از سوی دو سوم اعضاء اعلام شود، هیئت ملی انتخابات را از این موضوع آگاه می‌سازد و رئیس مجلس نمایندگان به طور موقت وظایف رئیس جمهور را بر عهده می‌گیرد. در صورت انحلال مجلس نمایندگان، مجمع عمومی دیوان عالی قانون اساسی و رئیس آن جایگزین مجلس و رئیس آن می‌شوند. در تمامی حالات رئیس جمهور جدید باید ظرف مدت حداکثر نود روز از تاریخ خالی شدن انتخاب شود. در این حالت، مدت ریاست جمهوری از زمان اعلام نتیجه انتخابات شروع می‌شود.

رئیس جمهور موقت نمی‌تواند برای این پست کاندیدا و یا خواستار بازنگری قانون اساسی شود، همچنین نمی‌تواند حکم به انحلال مجلس نمایندگان و برکناری کابینه بدهد.

متن عربی ماده ۱۶۰: إذا قام مانع مؤقت يحول دون مباشرة رئيس الجمهورية لسلطاته، حل محله رئيس مجلس الوزراء. وعند خلو منصب رئيس الجمهورية للاستقالة، أو الوفاة، أو العجز الدائم عن العمل، يعلن مجلس النواب خلو المنصب. ويكون اعلان خلو المنصب بأغلبية ثلثي الأعضاء على الأقل، إذا كان ذلك لأى سبب آخر. ويخطر مجلس النواب الهيئة الوطنية للانتخابات، ويباشر رئيس مجلس النواب مؤقتاً سلطات رئيس الجمهورية. وإذا كان مجلس النواب غير قائم، تحل الجمعية العامة للمحكمة الدستورية العليا ورئيسها، محل المجلس ورئيسه، فيما تقدم. وفي جميع الأحوال، يجب أن يُنتخب الرئيس الجديد فى مدة لا تتجاوز تسعين يوماً من تاريخ خلو المنصب، وتبدأ مدة الرئاسة فى هذه الحالة من تاريخ إعلان نتيجة الانتخاب. ولا يجوز لرئيس الجمهورية المؤقت أن يترشح لهذا المنصب، ولا أن يطلب تعديل الدستور، ولا أن يحل مجلس النواب، ولا أن يقبل الحكومة.

رئیس جمهور شود، سخن به میان آورده است. سپس به موارد استعفا، فوت و ناتوانی دائمی رئیس جمهور اشاره می‌کند و در نهایت، همچون قانون اساسی ترکیه، خالی شدن پست ریاست جمهوری به هر دلیل را ذکر می‌کند. قانونگذار اساسی مصر نیز به مانند ترکیه، از بیان مصادیق متعدد چشم‌پوشی کرده و صرفاً به سه مورد استعفا، فوت و ناتوانی دائمی بسنده کرده که به نظر از رفتار حکمت‌گانه‌ی قانونگذاری به دور است. البته مورد ناتوانی دائمی را می‌توان نکته انحصاری این قانون اساسی دانست که عام‌تر از بیماری‌های زمین‌گیر کننده می‌باشد و تمامی آن‌ها را در برمی‌گیرد و علاوه بر بیماری‌ها، ناتوانی‌هایی که به غیر از سبب امراض مختلف بر شخص تحمیل می‌گردد را شامل می‌شود.

### ۳-۳. تتمه

ممکن است این گمان به وجود آید که نظام حقوقی ایران در مقایسه با دو کشور مورد بحث، در بیان مصادیق منجر به جانشینی موقت دارای نقص است چرا که قانون اساسی ترکیه و مصر با ذکر عبارت خالی ماندن مقام ریاست جمهوری، تمامی راه‌ها را در بر می‌گیرند، در صورتی که قانون اساسی ایران صرفاً چند مصداق مشخص را نام برده و در آخر، «اموری از این قبیل» را اضافه کرده است. لذا ممکن است عللی موجب تحقق خالی ماندن مقام ریاست جمهوری گردند که جزء این مصادیق نباشند و در مفهوم «از این قبیل» هم نگنجدند.

به نظر ما این گمان منتفی است، بدان دلیل که قانون اساسی ایران با ذکر مصادیق متعدد، هر آنچه که در این مورد به ذهن می‌رسد را عنوان کرده و حتی عبارت «از این قبیل» را نیز در ادامه آورده است. می‌توان در رد گمان مذکور این گونه پاسخ داد که اولاً علتی غیر از عوامل مذکور در اصل ۱۳۱ که منجر به خالی شدن مقام ریاست جمهوری گردد، به نظر وجود ندارد. ثانیاً در صورت وجود، این سوال مطرح می‌شود که آیا آن دلیل در حیطه و میدان عبارت «از این قبیل» نمی‌گنجد؟

شاید مثال سفر خارجه به ذهن برسد که در قانون اساسی ترکیه آمده است، اما پاسخ این است که غیبت مذکور در اصل ۱۳۱ قانون اساسی ایران، سفرها را نیز در برمی‌گیرد و چنانچه سفر را غیبت ندانیم با اطمینان خاطر می‌توان آن را لااقل در محدوده‌ی عبارت «از این قبیل» مذکور در اصل ۱۳۱ جای داد.



البته در اینجا سفر رئیس جمهور را باید به دو دسته تقسیم کرد. اول سفرهای مأموریتی که در حین انجام وظیفه هستند و اساساً ارتباطی به موضوع جانشینی موقت نداشته و در دسته‌ی اسباب تحقق آن قرار نمی‌گیرند و دوم سفرهای عادی خارج از وظایف که چنانچه حالت بی‌خبری از رئیس جمهور را به وجود می‌آورند، می‌توان گفت در حقیقت همان غیبت می‌باشند.

#### ۴. مقام جانشین موقت

جانشین موقت مقامی است که قبل از تحقق اسباب جانشینی، توسط قانون معین شده است. معمولاً کشورها جایگزین رئیس جمهور را در قوانین اساسی خود مشخص کرده‌اند اما شخص جایگزین رئیس جمهور در کشورهای مختلف، واحد نیست. برخی کشورها، نخست‌وزیر یا معاون رئیس جمهور را بیان داشتند<sup>۱</sup> و برخی هم نمایندگان پارلمان یا سنا را جهت تصدی یا تعیین مقام جانشین موقت صالح دانسته‌اند.<sup>۲</sup> همیشه این امکان وجود دارد که مقام جانشین موقت این مسئولیت را نپذیرد یا اینکه امکان تصدی وجود نداشته باشد و یا حتی آن شخص وجود خارجی نداشته باشد، این احتمالات در بحث جانشینی ریاست جمهوری نیز منتفی نیست. در این حالات، قانون باید مقام جایگزین را پیش‌بینی نماید.

اصل ۱۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران معاون اول را عهده‌دار اختیارات و مسئولیت‌های رئیس جمهور در دوران جانشینی معرفی کرده و موافقت رهبری را نیز شرط دانسته است. این مقام به همراه رئیس مجلس و رئیس قوه قضاییه موظف‌اند

۱. اصل دوم (بند ششم از بخش اول) قانون اساسی امریکا: وظایف و اختیارات رئیس جمهور در صورت برکناری، فوت، کناره‌گیری یا ناتوانی از انجام آنها، به معاون رئیس جمهور واگذار می‌شوند. کنگره می‌تواند به موجب قانون در موارد برکناری، فوت، کناره‌گیری یا ناتوانی رئیس جمهور و نیز معاون وی، مقام مسئولی را به عنوان کنفل ریاست جمهوری تعیین نماید، و مقام مزبور طبق مقررات، تا زمان رفع ناتوانی یا انتخاب رئیس جمهور، به عنوان رئیس جمهور انجام وظیفه می‌نماید.

۲. بند چهارم ماده ۷ قانون اساسی فرانسه: «در صورت غیاب ریاست جمهوری به هر دلیل یا اعلام مانعیت توسط شورای قانون اساسی یا تصمیم‌گیری اکثریت مطلق اعضایش به تقاضای دولت، وظایف رئیس جمهور به استثنای وظایف پیش‌بینی شده در مواد ۱۱ و ۱۲ ذیل موقتاً توسط رئیس سنا انجام می‌شود و اگر رئیس سنا نیز در مانعیت انجام این وظایف قرار گیرد توسط دولت انجام می‌شود». اصل مذکور را می‌توان یکی از ابتکارات جمهوری پنجم فرانسه به شمار آورد (Gicquel, 1999: 542)

ترتیبی دهند که حداکثر ظرف مدت ۵۰ روز رئیس‌جمهور جدید انتخاب گردد. معاون اول نازل منزله رئیس‌جمهور دانسته شده و گفته شده است که در صورت موافقت رهبری مناسب‌ترین فردی است که مسئولیت‌های رئیس‌جمهور را به طور موقت برعهده می‌گیرد. (یزدی، ۱۳۷۵: ۶۱۲)

به نظر، معاون اول بهترین گزینه جهت تصدی مقام جانشینی است چرا که در زمان تصدی رئیس‌جمهور در جریان تمام امور بوده و به لحاظ سلسله مراتب به عنوان دومین نفر در هیئت دولت ایفای وظایف می‌کرده است و همچنین اینکه در قانون مدیریت خدمات کشوری به عنوان یکی از مدیران سیاسی و مقامات کشور معرفی شده است و حتی جایگاهی فراتر از وزرا دارد.<sup>۱</sup> انتخاب معاون اول به عنوان جانشین کاملاً منطبق با تفکیک قوا است و هم اینکه معمولاً به رئیس‌جمهور بیشترین شباهت‌های سلیقه‌ای و جهت‌گیری‌ها را دارد و در ۵۰ روز جانشینی ادامه دهنده سیر قبلی خواهد بود، اما باید مسئله‌ی مهمی را متذکر شویم. معاون اول در این اوضاع به مدت ۵۰ روز مسئولیت‌های رئیس‌جمهور را برعهده می‌گیرد و جایگاهی فراتر از وزرا خواهد یافت. به نظر می‌رسد لازم است صلاحیت وی برای تصدی این جایگاه احراز گردد. می‌دانیم که صلاحیت رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس در کارزار انتخابات<sup>۲</sup>، توسط شورای نگهبان تایید می‌گردد. صلاحیت وزرا نیز ابتدا توسط رئیس‌جمهور تایید می‌گردد و سپس مجلس شورای اسلامی کار بررسی سوابق و رای اعتماد به آن‌ها را انجام خواهد داد. لکن راجع به معاون اول این گونه نیست و تنها مقام بررسی‌کننده‌ی صلاحیت وی، شخص رئیس‌جمهور است. از این حیث که معاون اول در شرایطی مسئولیت‌های رئیس‌جمهور را برعهده می‌گیرد، منطقی است که صلاحیت او جهت تصدی این مسئولیت

۱. ماده ۷۱ قانون مدیریت خدمات کشوری:

سمتهای ذیل مدیریت سیاسی محسوب شده و به عنوان مقام شناخته می‌شوند و امتیاز شغلی مقامات مذکور در این

ماده به شرح زیر تعیین می‌گردد:

الف- رؤسای سه قوه (۱۸۰۰۰) امتیاز.

ب- معاون اول رئیس‌جمهور، نواب رئیس مجلس شورای اسلامی و اعضا شورای نگهبان (۱۷۰۰۰) امتیاز.

ج- وزرا نمایندگان مجلس شورای اسلامی و معاونین رئیس‌جمهور (۱۶۰۰۰) امتیاز.

د- استانداران و سفرا (۱۵۰۰۰) امتیاز.

ه- معاونین وزرا (۱۴۰۰۰) امتیاز.

به تایید شورای نگهبان یا مجلس شورای اسلامی و یا رهبری برسد. با توجه به وجود اختیارات ویژه در قانون اساسی برای مقام رهبری، این نظر که صلاحیت معاون اول باید توسط این مقام تایید گردد سخن نسنجیده ای نیست و احتمالاً باعث خواهد شد همواره از انتخاب فردی که فاقد صلاحیت است، خودداری شود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۳۱ این گونه به مقام دوم (راهکار دوم) هم اشاره کرده اما شخص خاصی را معرفی نکرده است. «... در صورت فوت معاون اول و امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور معاون اول نداشته باشد رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می کند» در ارتباط با شرط موافقت رهبری و انتصاب فرد بعدی توسط رهبری باید گفت که چنین شرایطی با توجه به دو گزاره منطقی به نظر می رسد. اول این که تنفیذ<sup>۱</sup> رئیس جمهور نیز اختیاراتاً در دست رهبری است. دوم اینکه ریاست کشور بر عهده رهبری قرار دارد.

اصل ۱۰۶ قانون اساسی ترکیه معاون رئیس جمهور را در صورت خالی شدن مقام ریاست جمهوری به عنوان سرپرست ریاست جمهوری معرفی کرده است. نکته منفی و قابل توجه این اصل آن است که صدر اصل ۱۰۶، رئیس جمهور را مختار به تعیین یک یا چند معاون قرار داده است و از این حیث الزامی بر او وارد نیست، در حالی که معاون رئیس جمهور عهده دار وظایف وی در زمان جانشینی خواهد شد. نقص بعدی، عدم تعیین دقیق جانشین است. قانون اساسی ترکیه صرفاً لفظ معاون رئیس جمهور را به کار برده است و مشخص نیست کدام معاون مدنظر است. مطلب مهم بعدی عدم توجه به جایگزین دوم در این اصل است و این سوال که «در صورت عدم وجود معاون یا عدم پذیرش مسئولیت از جانب او چه کسی جانشین خواهد شد» بی پاسخ می ماند.

جنبه مثبت این اصل ذکر معاون رئیس جمهور به عنوان سرپرست است و همان نکاتی که در مورد هماهنگی با تفکیک قوا در خصوص اصل ۱۳۱ قانون اساسی ایران گفته شد اینجا نیز قابل ذکر است.

مقام جانشین در قانون اساسی مصر قدری پیچیده تر، مشخص گردیده است و با شرایط متفاوت، تغییر می‌کند. چنانچه عاملی موقتا مانع ایفای وظایف و اختیارات رئیس جمهور شود، نخست وزیر جایگزین وی می‌شود اما اگر به دلیل استعفا یا فوت یا ناتوانی دائمی رئیس جمهور یا هر دلیل دیگری پست ریاست جمهوری خالی بماند، مجلس نمایندگان، خالی شدن کرسی ریاست جمهوری را پس از اعلام توسط دو سوم اعضاء مجلس، به آگاهی هیئت ملی انتخابات<sup>۱</sup> می‌رساند و رئیس مجلس نمایندگان به طور موقت وظایف رئیس جمهور را بر عهده می‌گیرد.

در صورت انحلال مجلس نمایندگان، مجمع عمومی دیوان عالی قانون اساسی<sup>۲</sup> و رئیس آن جایگزین مجلس و رئیس آن می‌شوند. حالت اول و جایگزینی نخست وزیر، بحث چالشی و خاصی ندارد اما جایگزینی رئیس مجلس نمایندگان و تصدی موقت منصب رئیس جمهور، به لحاظ اصل تفکیک قوا، خالی از اشکال نیست. جایگزینی رئیس مجمع عمومی دیوان عالی قانون اساسی بر کرسی مجلس و ریاست جمهوری نیز بی بحث و اشکال نیست. البته که به سبب وجود فشارها و خواست مردم در انقلاب مصر و خاطرات تلخی که از دوران حسنی مبارک بر جای مانده بود، ماده ۶ قانون اساسی مصر، صراحتاً به بحث تفکیک قوا می‌پردازد تا قدرت در دست یک گروه یا فرد خاص نباشد و در اختیار مردم باقی بماند و از طریق مردم به دیگران اعطا شود. (قاضی، ۱۳۹۰: ۱۸۵)

### ۵. نظارت بر جانشین در دوران جانشینی موقت

نظارت در جوامع سابقه‌ای طولانی دارد از زمانی که زندگی اجتماعی آغاز شد کنترل و نظارت مطرح گردید. می‌توان گفت نظارت ریشه در تاریخ بشر دارد و با تشکیل اولین گروه‌های انسانی پا به عرصه گذاشت. هدف از اعمال نظارت جوابگویی و جلوگیری از فساد، تقلب و سوء استفاده بوده همچنین قلمرو نظارت در حقوق عمومی بسیار برجسته و گسترده است. (پروین و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۸۴)، موضوع نظارت سیاسی مبحثی مهم در حوزه حقوق عمومی و اساسی است و گفتار فعلی ما نیز بیشتر راجع به همین نوع نظارت است.

1. National Election Board

2. General Assembly of the Supreme Constitutional Court

با توجه به این که بر اساس اصل ۱۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صورت لزوم معاون اول رئیس جمهور با موافقت رهبری به جای وی قرار می‌گیرد، در این صورت کلیه اختیارات و مسئولیت‌های رئیس جمهور که از موجبات و لزوم تحقق جانشینی هسست به وی منتقل می‌گردد. قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل مربوط به جانشینی از عبارت عام «وظایف و مسئولیت‌های رئیس جمهور» استفاده کرده لذا می‌توان چنین برداشت کرد که معاون اول رئیس جمهور در دوران جانشینی همه مسئولیت‌ها و وظایفی را که رئیس جمهور در قانون اساسی داراست برای معاون اول رئیس جمهور به عنوان جانشین هم صادق است. اما موضوع مهمی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا نظارتی که بر رئیس جمهور از طریق رهبر، ملت و مجلس شورای اسلامی مترتب است برای جانشین ریاست جمهوری نیز وجود دارد؟ در پاسخ می‌توان گفت با توجه به این که جانشین در دوران جانشینی کلیه وظایف و مسئولیت‌های رئیس جمهور را بر عهده می‌گیرد، قاعداً باید مسئولیت سیاسی جانشین یا نظارت بر او نیز وجود داشته باشد ولی این خلأ قانونی در قانون اساسی و همچنین قانون عادی ایران وجود دارد که به صراحت، امر نظارت بر جانشین بیان نشده است. البته در صورتی که معاون اول، عهده دار مقام جانشینی باشد، قانون اساسی مواردی همچون مسئولیت کیفری<sup>۱</sup> مذکور در اصل ۱۴۰، نظارت مالی<sup>۲</sup> رئیس قوه قضائیه مذکور در اصل ۱۴۲ و موارد عمومی مانند مسئولیت مدنی<sup>۳</sup>، مسئولیت در قبال ارتکاب جرم سیاسی<sup>۴</sup> و... را بر این مقام بیان کرده است که جای بحث مفصل دارد و در مطلب فعلی ما نمی‌گنجد.

مطلب دیگری که باید متذکر شد آن است که به عقیده‌ی برخی با توجه به اینکه جانشین توسط مردم انتخاب نمی‌شود و به انتخاب رییس جمهور و موافقت رهبری و یا به انتصاب رهبری بر مسند قدرت جای می‌گیرد مسئولیت او در مقابل ملت نیز دارای اشکال و تأمل است. اما می‌توان گفت از آن جهت که رهبر، رئیس

- 
1. Criminal Liability
  2. Financial Supervision
  3. Civil Liability
  4. Political Crime

نمایندگان مجلس به صورت مستقیم یا غیر مستقیم توسط مردم انتخاب می‌شوند و همچنین مقام جانشین در کسوت انجام وظایف رئیس جمهور قرار می‌گیرد باید او را در مقابل ملت نیز مسئول دانست و امر نظارت صرفاً نباید از سوی انتخاب‌کنندگانی که با رای مستقیم مسئولین را در جایگاه خود گماشتند، صورت پذیرد چرا که در آن صورت، نظارت مجلس بر رئیس جمهور نیز محل اشکال خواهد بود چرا که در انتخاب وی هیچ دخالتی ندارند.

ماده ۱۵۹ قانون اساسی مصر بیان می‌دارد: اتهام علیه رئیس جمهور به دلیل خیانت و یا ارتکاب جرم و جنایت، بایستی با درخواست و امضای اکثریت اعضای مجلس عوام صورت گیرد و کیفرخواست فقط با اکثریت دوسوم اعضای مجلس نمایندگان صادر شود. سپس با تحقیقات انجام شده توسط دادستان کل کشور اگر مانعی وجود داشته باشد، یکی از دستیاران وی جای او را می‌گیرد. به محض صدور این تصمیم، رئیس جمهور از کار خود معلق می‌شود و این یک مانع موقت محسوب می‌شود.

قانون اساسی مصر در ادامه این اصل حتی برکناری رئیس جمهور در صورت اثبات گناهکاری او در دادگاه ویژه را اعلام می‌دارد. سوالی که اینجا پیش می‌آید این است که آیا این نوع نظارت بر معاون وی در دوران جانشینی وجود دارد؟ قانون اساسی مصر در ماده ۱۷۳ خود به این موضوع که قوانین مربوط به مسئول شناختن رئیس جمهور بایستی قابل اعمال و تسری به نخست وزیر و اعضای دولت باشد، اشاره کرده‌است که از این جمله می‌توان برداشت کرد که مجلس عوام<sup>۱</sup> اختیار نظارت مندرج در ماده ۱۵۹ را بر معاون رئیس جمهور دارد. در نتیجه چنین نظارتی چه در دوران معاونت او و چه در دوران تصدی موقت او بر منصب ریاست جمهوری وجود دارد.

اصل ۱۰۶ قانون اساسی ترکیه معاون رئیس جمهور را در صورت خالی شدن مقام ریاست جمهوری به عنوان سرپرست ریاست جمهوری معرفی کرده است و بر اساس اصل ۱۰۶ و ۹۸ قانون اساسی، معاونان رئیس جمهور مانند رئیس جمهور قابل استیضاح هستند. نکته ای که وجود دارد این است که در هیچ کدام از قوانین اساسی این سه کشور اشاره ای صریح به مسئولیت جانشین در دوران جانشینی نکرده‌است. حال اگر فرض بر این باشد که به طریق اولی اگر نظارتی که بر رئیس جمهور

1. House of Commons

مفروض است به جهت در اختیار گرفتن وظایف و مسئولیت‌های رئیس جمهور بر جانشینش هم مترتب است می‌توانیم بگوییم که در کشور مصر، معاون و جانشین او دارای مسئولیت است و معاونان و جانشین ریاست جمهوری ترکیه هم بر اساس ۹۸ و اصل ۱۰۶ مسئول خواهند بود. در مورد ایران هم می‌توان این امر را بر معاون و جانشین رئیس جمهور مترتب دانست. اما بر خلاف دو کشور قبلی در ایران از نظر قانون اساسی در دوران معاونت ریاست جمهوری مسئولیتی متوجه معاون در مقابل پارلمان نیست. اگر در دوران جانشینی هر سه کشور مسئولیت جانشین را بر مبنای اینکه وظایف و اختیارات رئیس جمهور را بر عهده می‌گیرد محرز بدانیم فرقی که نوع نظارت را در ایران با دو کشور دیگر در بر خواهد گرفت نوع نظارت سیاسی است. در ایران علاوه بر دیوان عالی کشور، مجلس شورای اسلامی می‌تواند رئیس جمهور را با رای عدم کفایت سیاسی و بدون دخالت قوه قضائیه و البته با نظر مستقیم رهبری برکنار کند در حالی که برکناری رئیس جمهور در ترکیه و مصر بعد از اقدام مجالس این دو کشور به ترتیب نیازمند فرایند و اقدام قضایی از طریق دیوان عالی و دادگاه قانون اساسی<sup>۱</sup> است.

### ۶. شرایط زمانی دوران جانشینی موقت ریاست جمهوری

در نظام حقوقی ایران قانونگذار اساسی طول دوره جانشینی ریاست جمهوری را پنجاه روز تعیین کرده است و شورایی متشکل از رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس جمهور را موظف کرده که ظرف پنجاه روز شرایطی فراهم کنند تا رئیس جمهور جدید انتخاب شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی شرط موافقت رهبری را برای جانشینی معاون اول رئیس جمهور یا هر فرد دیگری که توسط مقام رهبری به این مقام برگزیده می‌شود را تعیین کرده است.

برخلاف قانون اساسی ایران، قانونگذار اساسی جمهوری ترکیه ترتیب دیگری را از لحاظ زمانی معین کرده است. بر اساس اصل ۱۰۶ قانون اساسی این کشور، برگزاری انتخابات را چهل و پنج روز پس از خالی ماندن مقام ریاست جمهوری بیان کرده است. از این لحاظ تدوین‌کنندگان قانون اساسی مصر در ماده ۱۶۰ حداکثر زمانی ۹۰ روزه برای دوران جانشینی معین کرده‌اند.

با وجود اینکه اصل ۹۸ پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی حدود زمانی را برای دوران جانشینی مشخص کرده بود، نکته مشترک نظم اساسی موجود در نظام های حقوق ایران و مصر تعیین حداکثر زمانی است که اشاره ای به حداقل زمانی دوران جانشینی نکرده است. شاید توجه قانونگذاران اساسی این دو کشور انتخاب رئیس جمهور در اسرع زمان بوده است، اما باید توجه داشت که در بعضی از مصادیق تحقق جانشینی مانند فوت و عزل، فضای احساسی شدید در بین مردم و جامعه سیاسی ایجاد کند که مطلوب بود این مورد قانونگذاران اساسی را به این هدف سوق بدهد که برای دوران جانشینی حداقل زمانی را تعیین کنند. این مهم باعث می شود که فضای عادی و معقول تری در کشور برای اجرای انتخابات شکل بگیرد.

قانون اساسی ترکیه به مانند بعضی از قوانین اساسی کشورها این حداقل زمانی را برای دوران جانشینی مشخص کرده است و به نظر می رسد تعیین مهلت ۴۵ روزه در این مورد برگشت به فضای عادی را مهیا کند. البته مطلوب است برای تعیین زمانی دوران جانشینی مانعیت قطعی و مانعیت موقت لحاظ گردد<sup>۱</sup> زیرا در مورد مانعیت موقت به مانند کسالت موقت رئیس جمهور ضرورتی برای ایجاد حداقل زمانی وجود ندارد به این علت که ممکن رئیس جمهور شرایط لازم را از لحاظ سلامتی به دست آورد که در این صورت نباید مانعی برای بازگشت رئیس جمهور قانونی یک کشور به قدرت باشد.

۱. ماده ۷ قانون اساسی فرانسه (بند ۵): در صورت غیاب یا وقتی که شورای قانون اساسی «مانعیت قطعی» را اعلام نماید رای گیری برای انتخاب رئیس جمهور جدید، مگر در صورت قوه قاهره به تشخیص شورای قانون اساسی، حداقل بیست روز و حداکثر سی و پنج روز پس از آغاز غیاب یا اعلام ویژگی قطعی مانعیت انجام می پذیرد.



## برآمد

در ادبیات حقوقی ایران برای جایگزین موقت مقام صلاحیت‌دار، اصطلاح کفالت به کار رفته است. این عبارت شاید به لحاظ لغوی صحیح باشد اما در اصطلاح حقوقی، کفالت نوعی عقد است. این مفهوم اصطلاحی با مفهوم مد نظر مقاله متفاوت است، لذا به جای آن از اصطلاح جانشینی موقت که اصطلاحی مناسب و دقیق تر می‌باشد استفاده شده است. فقدان مقامات عالی به ویژه رئیس جمهور و خالی ماندن جایگاه حقوقی آن‌ها به هر دلیلی که باشد می‌تواند در صورت عدم پیش‌بینی شرایط مطلوب در قوانین موضوعه برای جایگزینی آن‌ها، ساختار و وضعیت سیاسی کشورها را با چالش مهمی مواجه سازد. با مقایسه تطبیقی نهاد جانشینی و وضعیت این دوران در کشورهای ایران، ترکیه و مصر و با تدقیق در قانون اساسی آنها مشخص می‌شود که موضوع اسباب تحقق جانشینی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صورت کامل‌تر و روشن‌تر از دو کشور دیگر بیان شده است. چراکه علی‌رغم تمثیلی بودن موارد مذکور در اصل ۱۳۱ قانون اساسی، تقریباً تمامی احتمالات موجود احصا گردیده است و حتی قید «امور دیگر از این قبیل» نیز آورده شده است. در حالی که قانون اساسی ترکیه و مصر، تأکید بر خالی شدن و خالی ماندن مسند ریاست جمهوری داشتند که می‌تواند موجب فراهم سازی اسباب مناقشه در وضعیت‌های گوناگون گردد. البته به نظر می‌رسد تفاوت در نوع بیان قانون این سه کشور، به معنای تفاوت در اراده و منظور قانونگذار نباشد. در خصوص مقام جانشین موقت ریاست جمهوری و همچنین نظارت بر وی، در نظام قانونگذاری سه کشور تفاوت‌هایی دیده شد که علل گوناگونی دارد و این تفاوت‌ها لازمی تفاوت‌های سیاسی و نوع کشور داری است. لذا شاید نتوان به صراحت سخن از برتری یکی از آن‌ها به میان آورد.

راجع به مدت زمان دوره جانشینی نیز تفاوت‌های جزئی‌ای میان کشورها وجود دارد. نکته‌ی مبرهن آن که به دلیل فضای احساسی شدید و احتمالاً هرج و مرج سیاسی‌ای که در این دوران بوجود خواهد آمد بهتر است کمترین زمان در نظر گرفته شود. البته مشروط بر آنکه متولیان امر برگزاری انتخابات در این مدت کوتاه دقت‌های لازم را به خرج دهند و به دنبال تعیین تکلیف هر چه سریع‌تر، با بی‌دقتی موجب تضییع حقوق مردم و ورود خدشه به گفتمان مردم سالاری نشوند.

## منابع الف) فارسی کتب

۱. امامی، سید حسن، (۱۳۷۴). **حقوق مدنی**، تهران: کتابفروشی اسلامیة، جلد دوم.
۲. امامی، محمد، استوار سنگری، کوروش، (۱۳۹۵). **حقوق اداری**، تهران: نشر میزان، چاپ بیستم جلد اول، ویرایش سوم.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸). **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، تهران: گنج دانش، تهران، جلد چهارم.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۰). **حقوق مدنی عقد کفالت**، تهران: گنج دانش.
۵. حائری شاه باغ، سید علی، (۱۳۷۶). **شرح قانون مدنی**، تهران: انتشارات گنج دانش، جلد دوم.
۶. حسینی، حسن، (۱۳۷۶). **مقامات عالی قوه مجریه در قانون اساسی ایران و فرانسه و مطالعه تطبیقی آنها**، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۷. امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۶). **صحیفه امام**، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
۸. ساعد وکیل، امیر، عسکری، پوریا، (۱۳۸۷). **قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی**، تهران: انتشارات مجد، چاپ دوم.
۹. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، (۱۳۹۵). **حقوق اداری**، تهران: نشر سمت، چاپ بیستم، ویرایش چهارم.
۱۰. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، (۱۳۹۰). **حقوق اداری**، تهران: سمت، چاپ شانزدهم.
۱۱. فوزی، یحیی، (۱۳۸۴). **تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران** (دو جلدی)، تهران: عروج، چاپ اول.
۱۲. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، (۱۳۹۰). **بایسته های حقوق اساسی**، تهران: میزان.
۱۳. مشروح مذاکرات مجلس اول شورای اسلامی، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسل امی، گردآورنده: شکوهی، مرتضی، (۱۳۹۰).
۱۴. هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۱). **حقوق اساسی جمهوری اسلامی**، تهران: نشر میزان، جلد دوم، چاپ ششم.

۱۵. هاشمی، سید محمد، (۱۳۷۷)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر دادگستر، جلد دوم، چاپ سوم.
۱۶. یزدی، محمد، (۱۳۷۵)، *قانون اساسی برای همه*، تهران: امیر کبیر.

### مقالات

۱۷. آقای طوق، مسلم، غمامی، مهدی، (۱۳۹۱). «*تحولات حقوق و آزادیهای شهروندی در مصر مبتنی بر قانون اساسی ۲۰۱۲م*»، فصلنامه بررسی های حقوق عمومی، سال اول، شماره اول.
۱۸. پروین، خیرالله، اصلانی، فیروز، الهوئی نظری، حمید، یوسفی، علی محمد (۱۳۹۹). «*بزارهای نظارت سیاسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و تاثیر آن بر عدالت جغرافیایی در کشور*»، فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال دوازدهم، شماره دوم، ۳۸۳-۴۰۳.
۱۹. تقی زاده، جواد، (۱۳۸۹). «*تحقق کفالت ریاست جمهوری در حقوق ایران با نگاهی به حقوق فرانسه*»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، صص ۹۷ - ۱۱۵.
۲۰. کعبی، عباس، علم الهدی، حجت، فتاحی زفرقندی، علی، (۱۳۹۴). «*تحلیل و بررسی قانون اساسی مصر (۲۰۱۲)*»، فصلنامه بررسی های حقوق عمومی، شماره اول.
۲۱. مجیدی، حسن، عزیزی هاشجین، مهدی، (۱۳۹۷). «*تحلیل انتقادی اختیارات رئیس جمهور در قانون اساسی ۲۰۱۷ م. ترکیه*»، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، شماره ۴، صص ۱-۲۹.
۲۲. مظهری، محمد، قاسم آبادی، مرتضی، ناصری، علی رضا، (۱۳۹۷). «*جایگاه معاون اول به عنوان کفیل رئیس جمهور و مسئولیت های پیش بینی شده وی در نظام حقوقی ایران*»، فصلنامه حقوق اداری، سال پنجم، شماره ۱۵، ۲۷-۵۳.
۲۳. ملکوتیان، مصطفی، باباپور، محمدمهدی، (۱۳۹۰). «*بازنگری قانون اساسی، تاریخچه، ضرورت ها و فرایند شکل گیری تا قانونمندی*»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۳، ۳۰۵-۳۱۹.

## قوانین و مقررات

۲۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۸ با بازنگری ۱۳۶۸.
۲۵. قانون مدیریت خدمات کشوری ۱۳۸۶.

## ب) عربی

۱. ازهری، محمد بن احمد، (۲۰۰۱)، *تهذیب اللغة*، دار احیاء التراث العربی
۲. العوضی، هشام، (۲۰۱۳)، *الإسلاميون فی السلطه حاله مصر، مجله المستقبل العربیة*، العدد ۴۱۳، ص ۲۷-۲۸
۳. فرید، طارق (۲۰۱۲)، *تصحیح منهجیة ثورة لم تنجز بعد الإيرادات وادارة تغییر جنری*، مطابع الأهرام التجاریة، القاهرة، ص ۱۷۱-۱۷۲

## ج) لائین و ترکی استانبولی

1. Abdurrahman Abulaban, "The Presidentialisation Of Turkish Parliamentary, Democracy", 2000, Department of Politics, Y university of Exeter
2. COŞKUN, Vahap (2017). "16 Nisan 2017 Tarihinde Kabul Edilen Anayasa Değişikliklerinin Değerlendirilmesi". Dicle Üniversitesi Hukuk Fakültesi Dergisi. 22, pp. 3- 30 .
3. Debasch, Rolland, *Droit constitutionnel*, Paris, Litec, 2 édition, 2001.
4. GICCQUEL, Jean, (1999), *Droit constitutionnel et institutions politiques*, 16 édition Paris, Montchrestien.
5. Jorg Fedtke, "Comparative Analysis Between The Constitutional Processes In Egypt and Tunisia –Lessons Learnt- Overview of The Constitutional Situation in Libya", Directorate-General for External Policies of The Union Policy Department, Belgium, 2014
6. Nicolas Heliotis, "A Textual Analysis of Presidential Power under the 2014 Egyptian Constitution", American Bar Association, 2014

7. Siyasi bilimi ve kamu yönetimi bölümü. (1), pp. 1-14.  
<https://www.yenisafak.com/secim-referandum-2017>
8. Yıldız, Abdulkadir (2015 ). “*Başkanlık Sistemi Ve Türkiye. Kırıkkale üniversitesi, İİBF*”.
9. Yusef sertec serter,”*presidential decrees and the principle of legality under Turkish law*”,2018,Buncharest Academy of Economic Studies Law Department,vol.8(3)

### Links

10. full text of the US Constitutio Link to download the-n:  
[https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&url=https://constitution-center.org/media/files/constitution.pdf&ved=2ahUKEwiGt\\_i\\_wrfsAhWQilwKHtaBDWAQFjAAegQIARAB&usg=AOvVaw2S6fWvhlFXwOc8OY4aaAl](https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&url=https://constitution-center.org/media/files/constitution.pdf&ved=2ahUKEwiGt_i_wrfsAhWQilwKHtaBDWAQFjAAegQIARAB&usg=AOvVaw2S6fWvhlFXwOc8OY4aaAl)
11. download the full text of the Egypt Constitution Link to -:  
[https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&url=https://www.constituteproject.org/constitution/Egypt\\_2014.pdf&ved=2ahUKEwir86Ow7fsAhVHQMAKHXYnCPoQFjAAegQIARAB&usg=AOvVaw1nIQt\\_KgLslucoofbUq2G](https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&url=https://www.constituteproject.org/constitution/Egypt_2014.pdf&ved=2ahUKEwir86Ow7fsAhVHQMAKHXYnCPoQFjAAegQIARAB&usg=AOvVaw1nIQt_KgLslucoofbUq2G)
12. -link to download the full text of the Egypt Constitution in arabic:  
[https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&url=https://www.constituteproject.org/constitution/Egypt\\_2014.pdf%3Flang%3Dar&ved=2ahUKEwi1gq\\_e\\_ZvsAhVIXYUKHbYcBulQFjAAegQIARAB&usg=AOvVaw1PAh3WFpX3o9MrOewdkTgS](https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&url=https://www.constituteproject.org/constitution/Egypt_2014.pdf%3Flang%3Dar&ved=2ahUKEwi1gq_e_ZvsAhVIXYUKHbYcBulQFjAAegQIARAB&usg=AOvVaw1PAh3WFpX3o9MrOewdkTgS)
13. -link to download the full text of the turkish Constitution:  
[https://www.tbmm.gov.tr/anayasa/anayasa\\_2018.pdf](https://www.tbmm.gov.tr/anayasa/anayasa_2018.pdf)
14. الدستوريه جمهوريه مصر العربيه ٢٠١٤/٨/٥  
[www.sis.gov.eg-ahram.org](http://www.sis.gov.eg-ahram.org)